



۲۰۱۷/۰۴/۲۸



م. نسیم اسپر
ملک الشعراء افغان ها در هجرت

کودتای منحوس ثور مسئول تباهی افغانستان و دربدری مردم آن است



بلی!!
کودتای منحوس و خانه برانداز هفت ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی تنها
مسئول تباهی افغانستان و دربدری و کشتار مردم آن نه، بلکه مادر هجوم
تنظیم های ویرانگر هشت ثوری هم هست.

شعری دارم خطاب به شوروی وقت که بنیانگذار این کودتا بوده و به
تعقیب آن اشغال افغانستان با ویران نمودن شهر ها و قری کشور ما و
کشتار صدها هزار انسان این سرزمین و مهاجرت ملیون باشنده آن به
جهان گردید.

ورطه طوفان !!

روبه ! قدم به بیشه شیران گذاشتی
سرپنجه را به آتش سوزان گذاشتی

بیجا قدم به سیل خروشان گذاشتی
نامش دروغ گفته و مهمان گذاشتی

روی سیه به ساحه دوران گذاشتی
لنجر چرا به ورطه طوفان گذاشتی

نی باغ و راغ مانده، نه انسان گذاشتی
دادی زمام و نام مسلمان گذاشتی

دیدم که پای بر سر قرآن گذاشتی
نی جامه و نه خانه و نی نان گذاشتی

پا در حریم خانه "افغان" گذاشتی
چون طفل ساده لوح ندانسته، بهر چه

ای در لهیب حرص و هوا سوخته، چسان
ناخوانده سر زدی به دیار دلاوران

در سرزمین صلح و صفا آمدی به جنگ
ای بی خدا! به کشتی ما نا خدا چرا؟

ای آفت زمانه به این ترک تازی ات
با یک گروه ملحد و مردود و بی وقار

ما را فریب دین و دیانت چه می دهی
زیر شعار خانه و نان و لباس، حیف

نی کارگر، نه کار و نه دهقان گذاشتی
نه شعر و نی سخن نه سخندان گذاشتی

کردی سرود برزگر و کارگر بلند
نی عالم و فقیه و نه شاعر، نه داکتر

عهد وفا شکستی و پیمان گذاشتی
در بلخ و بامیان و بدخشان گذاشتی

حرف دروغ مهر و وفا بیش ازین مزن
بم ریختی و آتش نفرت به سینه ها

از شهر ها گذشتی و ویران گذاشتی
در دیده ها شراره طوفان گذاشتی

غور و هرات و کابل و زابل بهم زدی
در سینه ها نهال کدورت نشانده ای

قصد فرار کرده و میدان گذاشتی
ظالم نه این گذاشتی، نی آن گذاشتی

دیدم که بار بار به میدان کارزار
در قید مسکنت همه مردم «اسیر» شد

پایان

